

مسؤلیت متصدی حمل و نقل به جبران خسارت در صورت تلف یا گم شدن

مال التجاره و عدم استماع دعوی مزبور علیه نماینده تجاری

احتراماً، شرکت سهامی بیمه ایران به شرح نامه ۴۷۱/۵۲۹۳ مورخ ۲۰/۱/۱۳۶۳ اشعار داشته با تقدیم دو نسخه رأی متفاوت از شعب دیوان عالی کشور تقاضای طرح و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عالی کشور نموده که جریان پرونده‌ها به شرح ذیل گزارش می‌شود:

۱ - شرکت سهامی بیمه ایران به طرفیت شرکت تضامنی دورقی دادخواستی به مطالبه ۱۵۴۸۱۵۶ ریال بابت کسر تخلیه شماره ۳۰۹۹ تقدیم نموده که به شماره ۶۱/۳۹۹ شعبه ۱۷ دادگاه عمومی ثبت و شعبه مزبور در تاریخ ۲۶/۱۱/۱۳۶۱ چنین رأی داده است: دادنامه ۱۰۵۱ مورخ ۲۶/۱۱/۱۳۶۱:

رأی دادگاه - خلاصه دعوی خواهان عبارت از این است که شرکت ملی نفت ایران مقداری کالا را که توسط کامیون از لندن به ایران حمل گردیده نزد شرکت سهامی بیمه ایران بیمه باربری نموده است ولی برابر صورتجلس مورخ ۱۶/۴/۱۳۶۰ گمرک غرب تعداد يك لنگه از محموله کسر تخلیه داشته که به امضا و تأیید شرکت خوانده رسیده است شرکت سهامی بیمه ایران با توجه به مدارک ارائه شده و بررسی‌هایی که نموده مبلغ خسارت وارده را که به میزان خواسته است به بیمه‌گذار (شرکت ملی نفت ایران) پرداخت نموده و رسید دریافت نموده است اینک نظر به اینکه شرکت سهامی بیمه ایران قائم مقام بیمه‌گذار در وصول مبلغ پرداختی از متصدی حمل و نقل است و برابر مقررات آیین‌نامه امور گمرکی و قانون دریایی مسؤلیت خوانده محرز است و بایستی نسبت به پرداخت خسارت اقدام نماید ولی خوانده با وجود مکاتبه از پرداخت خسارات امتناع نموده تقاضای محکومیت خوانده به پرداخت وجه خواسته می‌شود با وصف مراتب مذکور نظر به اینکه به حکایت بارنامه استنادی و مدارک موجود در پرونده امر متصدی حمل و نقل کالا شرکت خوانده نبوده بلکه خوانده سمت نمایندگی متصدی حمل و نقل را عهده‌دار بوده و حتی خواهان هم در لایحه ارسالی ثبت شده به شماره ۸۳۲۹ مورخ ۲۳/۱۱/۱۳۶۱ نمایندگی شرکت خوانده را قبول کرده است بنابراین از نظر مقررات قانون تجارت متصدی حمل و نقل مسؤلیت مستقیم در قبال صاحب کالا یا قائم مقام او داشته و رجوع به نماینده که هیچ‌گونه قراردادی با صاحب کالا منعقد نموده و جاهت قانونی ندارد و اینکه خواهان با استناد به ماده (۴۱) آیین‌نامه قانون امور گمرکی و بند «۶» از ماده (۵۴) قانون دریایی خود را محق به دریافت خسارات از خوانده دانسته وارد و موجه نیست زیرا ماده (۴۱) آیین‌نامه امور گمرکی ناظر به وظایف صاحبان یا فرماندهان کشتی از لحاظ تسلیم اظهارنامه و مانیفیست و تحویل کالا و غیره بوده که امکان دارد این وظایف را نمایندگی کشتیرانی انجام دهد که در این صورت مسؤلیت نماینده محدود به وظایفی است که برعهده فرماندهان و یا صاحبان کشتی محول بوده است و همان‌طور که صاحبان و فرماندهان کشتی مسؤول کسر تخلیه در قبال صاحب کالا نیستند به طریق اولی نماینده مؤسسه هم مسؤولیتی در قبال صاحب کالا نداشته و نخواهد داشت و بند «۶» از ماده (۵۴) قانون دریایی هم ناظر به مدت زمان نقل مکان بار و تسلیم آن به صاحب کالا است و دلالتی بر توجه مسؤلیت نماینده به پرداخت خسارات ندارد فلذا با در نظر گرفتن مراتب یادشده و عنایت به این که بین طرفین دعوی هم قراردادی تنظیم نشده که به اعتبار آن خوانده مکلف به تأدیه خسارات به خواهان باشد دادگاه من جمیع الجهات دعوی را متوجه خوانده تشخیص نداده رأی برعدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد این رأی حضوری بوده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام است.

از این رأی از طرف شرکت سهامی بیمه ایران فرجام‌خواهی شده و در تاریخ ۲۱/۱۰/۱۳۶۲ به دادنامه شماره ۵۶۸/۱۸ شعبه ۱۸ چنین رأی داده است:

رأی - اعتراضات فرجامی به نحوی نیست که به ارکان دادنامه فرجام‌خواسته خللی وارد آورد و چون از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز اشکال مؤثری به نظر نمی‌رسد دادنامه مزبور نتیجتاً ابرام می‌شود.

۲ - در تاریخ ۲۹/۹/۱۳۶۰ شرکت سهامی بیمه ایران به طرفیت شرکت سی‌من پاك با مسؤلیت محدود به مطالبه مبلغ ۳۸۹۶۰۹/۶ ریال به خواسته اینکه به یکی از دستگاه‌های مورد بیمه خسارت وارد آمده است درخواست محکومیت خوانده را کرده است که به شعبه پانزدهم دادگاه عمومی ارجاع و به شماره ۶۰/۹۴۷ ثبت و شعبه مذکور در تاریخ ۲۶/۱۱/۱۳۶۰ به شماره دادنامه ۷۴۳ به شرح ذیل رأی داده است:

رأی دادگاه - در این پرونده شرکت سهامی بیمه ایران با نمایندگی قضایی آقای نصرت‌آ... عسگریان به طرفیت شرکت سی‌من پاك با مسؤلیت محدود اقامه دعوی نموده و توضیح داده است نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی تعدادی دیزل را به موجب بیمه‌نامه باربری شماره ۳۰۶۹۷۹/۰۴۱۴/۳۶ نزد شرکت خواهان بیمه نموده کالای مذکور وسیله کشتی پیشتاز به تهران متعلق به شرکت خوانده از بندر هوستون به بندر خرمشهر حمل و طبق صورتجلس بندری شماره ۶۵۵۱ مورخ ۲۹/۹/۱۳۵۶ که به امضای نماینده شرکت خوانده رسیده به یکی از دو دستگاه خسارت وارد آمده که شرکت بیمه ایران خسارت را به نیروی دریایی پرداخت و به عنوان قائم مقام بیمه‌گذار وجه پرداختی را از شرکت خوانده طالب است نظر به اینکه به دلالت مندرجات بارنامه مستند دعوی خواهان متصدی حمل و نقل شرکت خطوط کشتیرانی ایران اکسپرس مقیم هوستون (تک‌زاس) آمریکا بوده و شرکت خوانده که صرفاً نماینده شرکت متصدی حمل و نقل در ایران است مسؤولیتی در پرداخت خسارت وارده به بیمه‌گذار یا بیمه‌گر را نداشته و بالتیجه دعوی شرکت بیمه ایران نمی‌تواند متوجه خوانده باشد بناً علی‌هذا دادگاه قرار رد دعوی خواهان را به لحاظ عدم توجه ادعا به خوانده صادر و اعلام می‌دارد. و شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور به شماره دادنامه ۱۰۸۲/۱۰۱۳۶۲ مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۶۲ چنین اظهار نظر نموده‌اند: رأی - اعتراضات فرجام‌خواه با توجه به استدلال مندرج در دادنامه فرجام‌خواسته وارد نیست از نظر رعایت اصول و موازین قضایی هم اشکال مؤثری به نظر نمی‌رسد دادنامه مزبور ابرام می‌گردد.

۳ - در تاریخ ۱۴/۴/۱۳۶۱ شرکت سهامی بیمه ایران به طرفیت شرکت اسپانشیپ اس.آ. عرضحالی به مطالبه ۳۱۷۰۱۴۳ ریال تقدیم که به شعبه دوم دادگاه عمومی ارجاع و به شماره ۶۱/۲۵۵ ثبت به خواسته کسر تخلیه بار به شماره ۹۰۵ که دادگاه مرقوم در تاریخ ۱۷/۳/۱۳۶۲ به شماره دادنامه ۲۲۵ چنین رأی داده است:

رأی - خلاصه دعوی خواهان مطالبه مبلغ سیمصد و هفتاد هزار و یکصد و چهل و سه ریال بابت خسارت کسر تخلیه بیمه‌نامه شماره ۵۹/۹۹۵۵/۵۹۹۷۶۰/۴۱۷۷۶ است که طبق حواله شماره ۸/۱۶ مورخ ۷/۲/۱۳۶۱ در وجه بیمه‌گذار (مرکز تهیه و توزیع منسوجات) پرداخت و ضمن دادخواست توضیح داده است که مرکز تهیه و توزیع منسوجات تعدادی پارچه پلی‌استر به ارزش ۹۸۷۹۸ ریال طی بیمه‌نامه مرقوم نزد شرکت بیمه ایران بیمه باربری نموده کالای مذکور براساس بارنامه تنظیمی توسط کشتی مالایوکورج که نمایندگی آن در ایران با شرکت خوانده باشد از کویت به بندرعباس حمل و به موجب صورتجلس مورخ ۱۵/۱/۱۳۶۱ و گواهی بار شمار اسکله و بار شمار انبار و سایر مسؤولین تحویل کالا تعداد ۸ کارتن از کالای موضوع بیمه‌نامه کسر تخلیه داشته ناگزیر بیمه ایران با توجه به مدارک ارائه شده و بررسی‌های لازم معادل خواسته خسارت وارده را به صاحب کالا پرداخت و طبق ماده (۳۰) از قانون بیمه پس از پرداخت خسارت قائم مقام بیمه‌گذار بوده و می‌تواند خسارت مذکور را از متصدی حمل و نقل یا نماینده رسمی او در ایران دریافت نماید وکیل خوانده با قبول نمایندگی از مؤسسه حمل نقل کشتی حامل کالا با تمسک به مقررات آیین‌نامه امور اجرایی قانون گمرک خصوصاً مواد (۳۶ تا ۴۰) آیین‌نامه مذکور دفاعاً اشعار موکل نماینده است در صورتی که کالایی کسر باشد و تحویل موکل نگردد مسؤولیتی در قبال کالایی که به او تحویل نشده ندارد و خواهان موظف بوده خسارت وارده را از متصدی حمل و نقل که کالا به وی تحویل گردیده مطالبه نماید مضافاً هیچ‌یک از



رأی وحدت رویه شماره ۲۹ دیوان عالی کشور در خصوص مسؤلیت متصدی حمل و نقل به جبران خسارت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و عدم استماع دعوی مزبور علیه نماینده تجاری - مصوب ۱۳۶۳/۰۸/۲۸

مطالبی که به عهده ادارات بندر یا نماینده کشتیرانی به جای متصدی حمل و نقل است از قبیل اعزام بارشمار و امضای صورتمجلس کسر تخلیه تحقیق برای پیدا کردن کالای بیمه شده و غیره صحیحاً صورت نگرفته نتیجتاً دعوی را متوجه شرکت موکل ندانسته است که با توجه به محتویات پرونده و اسناد و مدارک ابرازی ایراد و دفاع وکیل خواننده موجه نیست چه آنکه با قبول سمت نمایندگی از طرف متصدی حمل و نقل کسر ۸ کارتن از کالای موضوع بیمه نامه به موجب صورتمجلس مورخ ۱۵/۱/۱۳۶۱ که ممضی به امضای مأمورین بندر اعم از بارشمار اسکله و بارشمار انبار و انباردار و متصدی تحویل کالا و نماینده شرکت کشتیرانی است محرز و مسلم می باشد و نیز پرداخت مبلغ ۳۷۰۱۴۳ ریال از طرف بیمه گر بابت خسارت وارده در وجه بیمه گزار به موجب حواله شماره ۱۶/ح/۸ مورخ ۷/۲/۱۳۶۱ محل تردید نیست و با عنایت به ماده (۳۰) قانون بیمه و تبصره (۲) ماده (۲۸ و ۴۱) آیین نامه امور اجرایی قانون گمرک خواننده به نمایندگی از طرف متصدی حمل و نقل و مؤسسه کشتیرانی مسؤل جبران خسارت وارد می باشد. علی هذا به جهات مرقوم دعوی خواهان به نظر دادگاه ثابت است و خواننده محکوم است مبلغ سیصد و هفتاد هزار و یکصد و چهل و سه ریال بابت خسارت پرداخت شده به خواهان بپردازد رأی طرف مهلت قانونی فرجام پذیر است و از این رأی فرجام خواهی شده و به شماره ۳/۱۱۱ شعبه هفدهم دیوان عالی کشور ثبت و در تاریخ ۱۰/۱۱/۱۳۶۲ به شماره دادنامه ۱۰۳۵/۱۷ به شرح ذیل به صدور رأی اقدام نموده اند:

رأی - اعتراضات وکیل فرجام خواه با توجه به محتویات پرونده و رسیدگی هایی که به عمل آمده وارد نیست و نظر دادگاه بنا به جهات و دلایلی که در دادنامه ذکر شده و به تجویز مواد استنادی از قانون امور گمرکی و آیین نامه مربوطه مغایرتی با موازین قانون ندارد و از حیث رعایت اصول دادرسی نیز اشکال عمده ای به نظر نمی رسد و بنا به مراتب دادنامه فرجام خواسته ابرام می گردد.

نظریه - همان طور که ملاحظه می فرمایید بین آرای شعب ۱۸ و ۱۳ دیوان عالی کشور و رأی شعبه هفدهم دیوان عالی کشور در موضوع واحد اختلاف و تهاافت وجود دارد بنا به مراتب به استناد قانون وحدت رویه مصوب ۷/۴/۱۳۲۸ تقاضای طرح در هیأت عمومی جهت اتخاذ تصمیم مقتضی دارد.

معاون اول دادستان کل کشور - حسن فاختری

به تاریخ روز دوشنبه ۲۸/۸/۱۳۶۳ جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس شعبه دوم و قائم مقام ریاست محترم دیوان عالی کشور و با حضور قائم مقام ریاست محترم دادستان کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران و اعضای معاون شعب کیفری و حقوقی دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: «با توجه به ادله موجود در پرونده رأی شعبه ۱۳ و ۱۸ منطبق با قانون می باشد بدیهی است اگر در دادخواستی ادله دیگری اقامه شود قاضی با توجه به آنها حکم خواهد داد» مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند:

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به ماده (۳۸۶) قانون تجارت (۱) که در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره متصدی حمل و نقل را جز در مواردی که مستثنی شده مسؤل قیمت کالا و ماده (۳۸۷) آن قانون نامبرده را در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره در حدود ماده قبل مسؤل شناخته و اینکه در پرونده های مطروحه به جای آنکه شرکت سهامی بیمه ایران به قائم مقامی از بیمه گزار دعوی خود را جهت مطالبه خساراتی که به صاحب کالا پرداخته علیه متصدی حمل و نقل اقامه نماید علیه نماینده تجاری متصدی حمل و نقل که مسؤلیت و تعهد نماینده به موجب اسناد و مدارک پرونده ثابت و مسلم نشده طرح کرده فلذا استماع دعوی به کیفیت مرقوم مجوز نداشته است بدیهی است در صورتی که بر دادگاه معلوم و محرز شود که نماینده تجاری متصدی حمل و نقل دارای اختیارات و تعهداتی بوده که او را مسؤل نموده و می تواند طرف دعوی مطالبه خسارات قرار گیرد قبول دعوی به طرفیت او بلا اشکال است و در این زمینه آرای شعبه سیزدهم و شعبه هیجدهم دیوان عالی کشور که متضمن این معنی است موافق موازین تشخیص و نتیجتاً مورد تأیید است این رأی بر طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۷/۴/۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع است.

